

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Social

ادبی - اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۷

کابل، آن کابل نبود!!!

(قسمت دوازدهم)

نُفوذِ ایران در افغانستان

(قسمت دوم)

در عرصه مذهب:

زمینه مهیا گشت، که باز به خاکبوس وطن پرسم و در چشم و چراغش - کابل نازنین - مأوا گزینم. این دفعه نیز در مدت اقامتم، که دو هفته را در بر گرفت، چیزهائی را دیدم و یادداشتهائی گرفتم و یا ثبت ذهن خود ساختم، که به مرور ایام ضمن همان سلسله "کابل، آن کابل نبود" منتشر خواهد گشت. این بدین معناست، که آن سلسله ختم نشده است و سر از امروز از سر گرفته می شود. به تاریخ ۲۷ جولای قسمت یازدهم را نشر کردم و از نفوذ زبانی ایران در افغانستان حکایت کردم و ضمناً بشارت دادم، که در قسمت بعدی بر بُعد مذهبی نفوذ ایران مکث کنم. اینک بدان می پردازم و نکاتی را، که به تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۱۷ یادداشت گرفته بودم، از نظر خواننده ارجمند می گذرانم:

بعد از نشر قسمت یازدهم این سلسله، که متضمن بخش اول "نفوذ ایران در افغانستان" بود، آوازه های شفاهی بلند شد، مبنی بر این، که:

- در شرایطی، که افغانستان در اشغال امپریالیسم و "امپریالیسم امریکا" قرار دارد، نباید از موضوعات

دیگر سخن گفت و هرچه گفت، باید دور همین یک نکته محوری و عمده بچرخد!!!

- همین آوازه ها راقم را گویا به نوعی دشمنی با "مردم ایران" و طرفداری از "شووینیزم قوم پشتون" متهم ساختند و ازین قبیل گپهای هوائی را به هوا پراگندند....

به این عزیزان و کسانی، که طرفدار این فیرهای هوائی هستند، مشورت می دهیم، که:

من نوشته خود را در صفحه ۲۷ جولای ۲۰۱۷ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر ساختم، که در اختیار و مورد قضاوت همگان قرار دارد. اگر کسی سخنی علیه گفته‌های من دارد، لطفاً به شکل کتبی و مکتوباً به میدان بیندازد، تا دیگران هم از مسأله آگاه گردند و به قضاوت بپردازند. گپ زندهای مفت و بی اساس، مانده "فیرهای هوایی" ست، که بدون هدف صورت می‌گیرد و جایی را هم نمی‌گیرد. به گفته مردم کابل "گپ مفت اس!!!!" و یا "گپه باد میبره!!!"

پس ازین چه بهتر، که نشان انگشت سخن خود را ثبت دفتر ایام کنیم و بگذاریم، که مردم و تاریخ ما قضاوت کنند و تا می‌توانند، بیرحمانه قضاوت کنند!!! اما در کُنه و اصل انتقاد:

- دفاع و حراست از ارزشهای زبانی ما، هرگز معنای دشمنی با "مردم ایران" را ندارد. مردم ایران زبان خود و ارزشهای زبانی خود را دارند، ولی مردم ما نیز حامل و مالک و صاحب زبان و ارزشهای زبانهای خود می‌باشند. نباید ارزشهای زبان خود را فدای ارزشهای زبانی بیگانه کنیم؛ هر بیگانه ای، که باشد!!! "کرباس وطن" باید به مراتب ارزش بالاتر از "کمخاب بیگانه" را داشته باشد، و فلسفه این مشی حکیمانه را این ضرب المثل مشهور کابلی چه نیکو فاش می‌سازد:

«به کهنه خود بساز، که نو دیگران گران است!!!»

همان قسمی، که ایران زبان دری ما را با اصطلاح شیرین کابلی "زیر نول" گرفته است و ارزشهای خاص زبانی خود را بر زبان دری و حتی غیر مستقیم بر زبان پشتوی ما تحمیل کرده راهی ست، در عرصه مذهب چندین چند و چند چندان آن فعالیت دارد. باز هم اگر وجیزه وار بیاورم:

- ایران می‌خواهد، که شیعه مذهبیان افغانستان به دهل مذهبیین متعصب و دواآتشه ایران برقصند، با وجود آگاهی ازین، که تعصب و عصبیت مذهبی در افغانستان قطعاً وجود ندارد، نه در تسنن و نه در تشیع.

- می‌خواهد، که به شکل سمبولیک محرم و عاشورا را به رسم رسوا و جفاگرانه آخوندی ایران، برپا کنیم. - به خاطر امام حسین و دگر کشتگان کربلا، به ماتم بنشینیم و سر و روی و سینه و دست و پای و پشت و پهلو خود را پرت و پوست و خون و خونالود کنیم و خاطره این روز را از اول تا دهم محرم هر سال، با بیرحمی و قساوت تمام و بی بند و باری هرچه تمامتر بر اجسام و ابدان و وجنات و اطوار و اذهان و عقول خود، برگزار کنیم.

- تکیه خانه های بردربر بسازیم و حسینه های ماتمگستر برپا داریم

- سیاه بپوشیم و در و دیوار و کوی و برزن و شهر و دیار را سیاهپوش و ماتمسرا سازیم

- زارزار و چون ابر نوبهار بگرییم و از دیده اشک خونبار بریزیم و ...

- سینه زنی کنیم، زنجیرزنی کنیم، قمه زنی کنیم و خنجرزنی کنیم و ...

- خون خود را به خاطر کسانی بریزیم، که ۱۴۰۰ سال پیش کشته شده اند؛ در هر راهی، که بوده باشد!!!

و خلص کلام، کارهائی را بکنیم، که حتی با منطق اسلام و شرع نبوی نیز، سازگاری و انطباق ندارند!!!

سالهای سال پیش، طی مضمون معنون به "یک هزار و چارصد سال گریه" صحنه هائی را از زنجیرزنی و خون و خونالودسازی سر و روی و پشت و پهلو خود و عزیزان و جگرگوشگان خود، به نمایش

گذاشتم. اینک می‌سزد، که در همین جای و به گونه نمونه لنک آن مقاله را ببیند، تا خواننده گرامی آن را با دکه ای ملایم و نرم و نازک باز کند و آن ماجراهای دلخراش را به چشم سر و دیده هوش از نظر بگذراند!!!:

[http://www.afgazad.com/Ejtemaei/010609-KM-1400-Saal-Gerya\[1\].pdf](http://www.afgazad.com/Ejtemaei/010609-KM-1400-Saal-Gerya[1].pdf)

ولی منطق کار در کجاست؟؟؟

در دین اسلام و در شرع محمدی حتی فرائض عین به خاطر علالت مزاج و کسالت بدن ساقط می‌گردند، و من نتوانستم منطقی را درک کنم، که طبق آن کسی بر جسم و جان و پیکر و روان خود جفاء روا دارد و صحت و سلامت خود را قربان خاطرۀ دور دورِ دورِ مرگ و یا کشته شدن و یا شهادت فردی نماید؛ هرکسی، که می‌خواهد باشد!!!

هیئات و هزاران هزار افسوس، که:

هزاران کربلا و هزاران حسین جانباز و شهیدِ مظلومِ چار دهۀ اخیر وطن خود را به باد فراموشی سپرده ایم، ولی گاهی کهنۀ تاریخ اعراب ستمگر و زورآور و استیلاگر را، که تا دل بخواد مغشوش و ناشفاف و نامفهوم و ... است، باد کرده راهی هستیم!!!

در همین جای و همین اکنون می‌خواهم فعالیت‌های رژیم ضدّ انسانی و بیدادگر ایران را در "دشت برچی" کابل و به روایت "دولت حسین"، که همسایه و همخانه ما در کابل نازنین است، انعکاس دهم. اولاً مگر لازم می‌بینم، که کلمۀ "همسایه" را در مفهوم کابلی آن تشریح کنم:

"همسایه" به کسی گفته می‌شود، که در همجواری بلافصل کسی قرار دارد یا سکونت اختیار کرده است. "همسایه" از ترکیبات زیبای زبان دری ست و لغتاً به کسی اطلاق شود، که چنان با فردی نزدیک باشد، که اگر آفتاب و یا کدام منبع دیگر نور بتابد، سایه هردو، یکی بنماید!!! و اگر با منطق علم فزیک بنگریم، "همسایه" باید:

– یا به دو پیکر مُندمج در یک تن مجسم گردد

– و یا این، که آن دو کس آن قدر باهم نزدیک باشند، تا سایه مشترک را بسازند.

در هردو صورت و حالت، "همسایه"؛ یعنی "نزدیکترین کس، به کسی".

با حفظ معنای اصلی اما در اصطلاح کابلی، "همسایه" به کسی گفته می‌شود، که بدون کرایه در خانه ای زندگانی کند. پس "همسایه"، فرد و خانواده نادر و کم‌بغلی را گویند، که بدون پرداخت کِرا در خانه ای منزل گزیده باشد. و چنین است حال آقای "دولت حسین"، که مخففاً "دولت" صدایش زنند!!!

"دولت" با زنش، "زهرخانم" و سه فرزندش – مصطفی، فاطمه و مهدی – که به حساب قومی از برادران و افغانان هزاره ما هستند، به قسم "همسایه" در خانۀ ما در کارته ۴ کابل به سر می‌برند و مانند همه "همسایگان دیگر" در جمع و غند و جاروب کردن حویلی و پاک کردن برف و یگان کار خُرد و ریزه دیگر با خانواده ما سهیم هستند.

"دولت" چار ماه پیش؛ یعنی در اواخر ماه جولای ۲۰۱۷ و هنگامی، که تعطیلات تابستانی مکاتب بود، برایم قصه کرد، که:

«در ایام تعطیلات تابستانی و در مدتی، که مکاتب کابل رخصت هستند، مقامات و معلّمان ایرانی در "دشت برچی" - که منطقه هزاره نشین کابل است - محافلی را برپا می‌کنند، که طی آن آداب سخن گفتن و عبادت و خوردن و معامله و ... را به شاگردان مکاتب عملاً نشان می‌دهند. قسمی، که "دولت" گفت، درین پروگرام در حدود پنج هزار شاگرد - بچه و دختر - گرد هم می‌آیند و از رهنمایان و مُربیان ایرانی خود، درس و تعلیم مُعاشرت می‌گیرند و»

خوانندگان گرامی و رُموزفهم، خود ازین مُجمل، حدیث مُفصّل خواهند خواند!!!

ولی آنچه را خود و به چشم خود دیدم، فعالیت‌های وسیع "کمیته امداد امام خمینی" در ماه رمضان بود، که ضمن آن آرد و روغن و برنج و بوره (شکر) و مایحتاج روزمره دیگر، برای اهالی هزاره ما - و محض به اهالی هزاره ما - توزیع می‌گردید. و من دو روز تمام صفها را از نظر گذشتاندم و غیر از هزاره‌ها کسی دیگر را در زمره مراجعان نیافتم. جالب این، که تنظیم و توزیع کنندگان این امتعه امدادی ایرانی، نیز از صف هزاره‌های ما انتخاب گردیده بودند!!!

طوری، که به تجربه ثابت شده است، برادران هزاره ما هیچ گاه دست‌گدائی را دراز نمی‌کردند. جوالهای ده پانزده تا بیست سیره را تا فواصل بسیار زیاد و دور حمل کرده و با مزد اندکش می‌ساختند، ولی همت عالی و والای شان هرگز اجازه تکدی و گدائیگری را به ایشان نمی‌داد. اینک مگر می‌بینیم، که رژیم فرتوت و مزور و ماتمگستر و ترورپرور و شووینست ایران می‌کوشد، همین هزاره‌های باغیرت و زحمتکش و پرتوان و باعزت ما را مفتخوار و جیره خوار و مدیون و دیندار خود بسازد؛ تا مگر روزی از طریق ایشان، نیات سوء و ضدّ بشری و خلاف پرنسیپهای حُسن همجواری و همسایه‌داری را، در وطن ما عملی گرداند!!!

"دولت دستنشانده و بی‌ننگ و بی‌وقار افغانستان" خوب می‌بیند و می‌داند، که در بیخ گوشش چه کارها نیست، که صورت نمی‌گیرد، ولی هیچ از جای نمی‌جُنبد. در شأن چنین دولت مُنحط و مبتذل و خَوُبرده ای همان مثل مشهور و پُرچکمت کابلی کاملاً صادق افتیده است، که:

«بی‌ننگه گفتند، آگه در کُونت درخت سبز کُنه، چی می‌کنی؟؟؟»

گفت:

خیر اس، زیر سائیش می‌شینم!!!»

(ختم این قسمت)